

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات
عربی

نقد و بررسی وصف طبیعت در دیوان ابن خفاجه اندلسی

استاد راهنما:

دکتر علی اکبر محسنی

استاد مشاور :

دکتر وحید سبزیان پور

نگارش:

پژمان ظفیری

اردیبهشت ۱۳۸۷

۴۶۳۵۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه رازی

۱۳۸۷ / ۱۷ / ۱۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.

انجمن اطلاعات دانشمندان
مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مرکزی

۱۳۸۷ / ۱۷ / ۱۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات عربی

پژمان ظفری

تحت عنوان

نقد و بررسی وصف طبیعت در دیوان ابن خفاجه اندلسی

در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

دکتر علی اکبر محسنی

امضاء

با مرتبه ی علمی دانشیار

دکتر وحید سبزیان پور

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

دکتر تورج زینی وند

امضاء

با مرتبه ی علمی دانشیار

دکتر فرامرز میرزایی

تشکر و قدردانی

بر خود لازم می‌دانم بنا بر مفاد حدیث شریف نبوی {مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ} ، از زحمات دلسوزانه ی استاد ارجمند جناب **دکتر علی اکبر محسنی** که مرا در طول نگارش این پایان نامه همواره از راهنمایی های خود بهره مند نمودند ، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از استاد بزرگوار جناب **دکتر وحید سبزیان پور** که مشاور این پایان نامه بودند نیز سپاسگذاری کنم. واز دیگر اساتید محترم گروه زبان و ادبیات عرب : دکتر همتی ، دکتر امیری ، دکتر سلیمی ، دکتر معروف ، دکتر زینی وند و استاد قمری نیز قدردانی کنم. از همکاری مسئولین محترم کتابخانه ی دانشکده ی ادبیات دانشگاه رازی ، کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تربیت مدرس ، کتابخانه ی مرکزی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی ، کتابخانه ی دانشکده ادبیات علامه طباطبایی تهران، کتابخانه ی دانشکده ی ادبیات دانشگاه کردستان ، کتابخانه دانشکده ادبیات بوعلی همدان و نیز از تمامی عزیزانی که به نحوی مرا در نگارش این پایان نامه یاری نمودند ، تشکر و قدردانی کنم.

تقدیم به روح های بزرگی که کالبد های خود را
کوفته ی آرمان هایشان می کنند

فن وصف به عنوان فنی مهم و مؤثر در زدودن غبار ابهام از دنیای پر رمز و راز شعر، از دیر باز در تصویر پردازی های شاعران خود نمایی کرد، این فن بعدها چنان مؤثر و با ارزش گردید که به عنوان پایه شعر، آراسته گر و تزئین کننده صورت های شعری و ترسیم گر تصویر های شگفتی از طبیعت گردید. با آنکه وصف در ابتدا با رویکرد انعکاس جهان واقع یا به شکل نقلی و نسخه برداری از طبیعت ظهور پیدا کرد، اما با دگرگونی و تحول در زندگی اجتماعی و فردی عرب ها و ورود آنان به شهرها، با رویکردی جدید ظاهر گشت و بیشتر به صورت چکامه های درون گرایی، تصویر گر شخصیت و احساسات شاعر گردید.

در میان شاعران تصویر پرداز، ابن خفاجه وصف را به عنوان ابزاری برای تصویر پردازی صورت های نقلی و وجدانی خود برگزید و به شاعری درون گرا و برون گرا شهرت یافت؛ بهره وی از این فن چنان است، که وصف طبیعت و عناصر آن بر همه اغراض شعریش سایه گسترانده است و چنان طبیعت در نظرش با ارزش گشت که بدان سوگند یاد کرد و به «باغبان» و عاشق طبیعت ملقب گردید. او طبیعت را جایگاه غم ها و شادی ها و تأملات خود برگزید، و به مانند شاعران طبیعت گرای معاصر مشکلات زندگی خود را در ناموس طبیعت یافت. ابن خفاجه تابلوهای بسیار زیبا، زنده و پویا و گاه فکاهی، از طبیعت و پدیده های آن که احساسش را بر می انگیزد خلق کرده است که منعکس کننده شخصیت باطنی اوست و جلوه ای از شادی ها، محبت ها و رؤیاهایش را به نمایش می گذارد.

بی شک آفریدن تصاویری سرشار از حرکت و پویایی، حاصل تجربه های حسی شاعر در برابر طبیعت است که حواس پنجگانه شاعر به وضوح در آن نمایان است.

ابن خفاجه در تاریخ به شاعر وصف پرداز مشهور است، چرا که حجم بیشتر دیوانش را وصف طبیعت تشکیل می دهد. توصیفات وی، از زنده ترین توصیفات در ادب اندلس و حتی سرزمین های اسلامی به شمار رفته چرا که بر همه عناصر طبیعتی که در دیوانش به کار برده، جامه ی حرکت و حیات پوشانده است که نمایانگر قوه سرشار خیال پردازی اوست.

او در توصیفاتش، شیوه های نوین و منحصر به فردی را به کار گرفته که از جمله آنها: آغاز قصاید با وصف طبیعت، پند گیری و عبرت از پدیده های آن، انبوه سازی در تصاویر، به کار گیری عناصر اشرافی در تصاویر، جان بخشیدن به عناصر طبیعت و... است علاوه بر آنها، استفاده از انواع مختلفی از صور خیال و آرایه های بدیع و اقتباس از مضامین اسلامی، شعر وی را زیبا و دل انگیز ساخته است.

و سر انجام شاعر در سال (۵۳۳ هـ) در سن ۸۲ سالگی دار فانی را وداع گفت، اما وی همچنان مانند ستاره ای بر آسمان ادب عربی می درخشد و نامش در میان عاشقان و شیفتگان طبیعت جاودانه شده است.

کلید واژه ها: وصف، طبیعت، ابن خفاجه، صور خیال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : نگاهی به اوضاع سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ادبی دوره اندلس
۱.....	۱-۱ وجه تسمیه اندلس.....
۱.....	۲-۱ تاریخچه فتح اندلس.....
۲.....	۳-۱ تقسیمات سیاسی اندلس.....
۲.....	۴-۱ اوضاع سیاسی ملوک الطوایف و مرابطان.....
۳.....	۱-۴-۱ تشکیل دولت مرابطان.....
۴.....	۵-۱ اوضاع اجتماعی دوره ملوک الطوایف و مرابطان.....
۷.....	۶-۱ اوضاع علمی و فرهنگی.....
۸.....	۷-۱ اوضاع ادبی.....
۹.....	۱-۷-۱ مراحل شعر اندلس.....
۹.....	۲-۷-۱ مرحله ضعف شعر.....
۱۰.....	۳-۷-۱ مرحله تقلید.....
۱۱.....	۴-۷-۱ مرحله تجدید و نوگرایی.....
۱۲.....	۵-۷-۱ دوره انحطاط.....
۱۴.....	۶-۷-۱ مضامین شعری در اندلس.....
۱۵.....	۱-۶-۷-۱ استغاثه.....
۱۶.....	۲-۶-۷-۱ موشحات.....
۱۷.....	۱-۲-۶-۷-۱ اجزاء موشحات.....
۱۹.....	۲-۲-۶-۷-۱ ویژگی های موشحات.....
۲۰.....	۳-۶-۷-۱ زجل.....
۲۲.....	۷-۷-۱ مراحل نثر در اندلس.....
۲۴.....	۱-۷-۷-۱ فنون نثر.....

فصل دوم: شرح حال ابن خفاجه و بیان آثار ادبی وی

۲۶.....	۱-۲ تولد و زادگاه ابن خفاجه.....
۲۶.....	۲-۲ دوران کودکی و جوانی شاعر.....
۲۶.....	۳-۲ هجرت و آوارگی به سوی مغرب (مراکش).....
۲۷.....	۴-۲ ویژگی های جسمانی ابن خفاجه.....
۲۷.....	۵-۲ ویژگی های روحی و روانی ابن خفاجه.....
۲۸.....	۱-۵-۲ عزت نفس.....

۲۸.....	۲-۵-۲ نازک طبعی.....
۲۸.....	۲-۵-۳ آرمان گرایی و بزرگ منشی.....
۲۹.....	۲-۶-۶ استادان و شاگردان ابن خفاجه.....
۲۹.....	۲-۶-۱۱ استادان.....
۲۹.....	۲-۶-۱۲ شاگردان.....
۲۹.....	۲-۷-۲ تأثیر و تأثر شاعر.....
۳۰.....	۲-۸-۲ اندیشه های دینی و مذهبی شاعر.....
۳۵.....	۲-۹-۲ اندیشه های ابن خفاجه.....
۳۷.....	۲-۱۰-۲ فلسفه ی مرگ و حیات در شعر ابن خفاجه.....
۳۸.....	۲-۱۱-۲ وفات شاعر.....
۳۸.....	۲-۱۲-۲ آثار و تالیفات ابن خفاجه.....
۳۹.....	۲-۱۲-۱ مکتب شعری ابن خفاجه.....
۳۹.....	۲-۱۲-۲ اغراض و فنون شعری در دیوان ابن خفاجه.....
۴۰.....	۲-۱۲-۱-۲ وطن دوستی.....
۴۱.....	۲-۱۲-۲-۲ ناله بر جوانی.....
۴۳.....	۲-۱۲-۲-۳ مدح.....
۴۵.....	۲-۱۲-۲-۴ رثاء.....
۴۸.....	۲-۱۲-۲-۵ غزل.....
۴۹.....	۲-۱۲-۲-۶ هجاء.....
۵۰.....	۲-۱۲-۳ نثر ابن خفاجه.....
۵۱.....	۲-۱۲-۴ ابن خفاجه ناقد.....
۵۲.....	۲-۱۲-۵ شعر ابن خفاجه از دیدگاه دیگران.....
۵۳.....	۲-۱۲-۶ جایگاه وصفی ابن خفاجه در پژوهش های ادبی.....

فصل سوم: نگاهی به سیر تحول وصف از آغاز تا کنون

۵۶.....	۳-۱ وصف در لغت و اصطلاح.....
۵۷.....	۳-۲ ارزش و اهمیت وصف.....
۵۸.....	۳-۳ تقسیم بندی وصف.....
۵۸.....	۳-۳-۱ وصف نقلی.....
۵۹.....	۳-۳-۲ وصف مادی.....
۵۹.....	۳-۳-۳ وصف وجدانی.....
۶۱.....	۳-۴ وصف در شعر جاهلی.....
۶۲.....	۳-۴-۱ وصف شب.....
۶۳.....	۳-۴-۲ وصف اسب.....
۶۴.....	۳-۴-۳ وصف شتر.....
۶۶.....	۳-۴-۴ تجسیم معقولات در قالب محسوسات.....

- ۳-۵ وصف در دوره صدر اسلام..... ۶۹
- ۳-۶ وصف در دوره اموی..... ۷۰
- ۳-۶-۱ تشخیص (انسان وارگی)..... ۷۲
- ۳-۶-۲ وصف تقلیدی..... ۷۴
- ۳-۷ وصف در دوره عباسی..... ۷۶
- ۳-۷-۱ وصف پدیده های تمدن جدید..... ۷۸
- ۳-۷-۲ توصیف عناصر طبیعت..... ۸۱
- ۳-۷-۳ وصف وجدانی (درون گرایی)..... ۸۲
- ۳-۷-۴ وصف کاریکاتوری..... ۸۳
- ۳-۸ وصف در دوره اندلس..... ۸۵
- ۳-۸-۱ بارزترین ویژگی های وصف در شعر اندلس..... ۸۶
- ۳-۸-۱-۱ وسعت خیال ، تزیین الفاظ و عدم تعمق فکری..... ۸۷
- ۳-۸-۱-۲ پیوند وصف طبیعت با فنون دیگر شعر..... ۸۹
- ۳-۸-۱-۳ کاربرد رمز در شعر طبیعت..... ۹۱
- ۳-۸-۱-۴ گسترش اسلوب تشخیص در شعر طبیعت..... ۹۲
- ۳-۸-۱-۵ استعمال جمع بین نقیضین (پارادوکس)..... ۹۵

فصل چهارم: ویژگی های عمومی و منحصر بفرد وصف ابن خفاجه

- ۶-۱ ابن خفاجه شاعری وصف پرداز..... ۹۹
- ۶-۲ ویژگی های مهم و منحصر بفرد وصف ابن خفاجه..... ۱۰۰
- ۶-۲-۱ آغاز قصاید با وصف طبیعت..... ۱۰۱
- ۶-۲-۲ پندگیری و عبرت از طبیعت..... ۱۰۲
- ۶-۲-۳ پیوند وصف طبیعت با دیگر فنون شعر..... ۱۰۳
- ۶-۲-۴ استفاده از تصاویر خشن و موسیقی تند..... ۱۰۴
- ۶-۲-۵ تجلی عناصر طبیعت در قالب زنی زیبا..... ۱۰۵
- ۶-۲-۶ استفاده از عناصر زندگی اشرافی در تصاویر..... ۱۰۶
- ۶-۲-۷ انبوه سازی تصاویر..... ۱۰۷
- ۶-۲-۸ آفرینش تصاویر ، حاصل تجربه های حسی..... ۱۰۸
- ۶-۲-۹ ابن خفاجه شاعری رومانتیسم..... ۱۰۹
- ۶-۲-۱۰ آفرینش تصاویری فکاهی با عناصر طبیعت..... ۱۱۰
- ۶-۲-۱۱ آفرینش تصاویری دارای حرکت و حیات..... ۱۱۱

فصل پنجم: وصف عناصر طبیعت در دیوان ابن خفاجه

- ۵-۱ طبیعت ساکت..... ۱۱۶
- ۵-۱-۱ پدیده های آسمانی..... ۱۱۶
- ۵-۱-۱-۱ آسمان..... ۱۱۷

- ۱۱۸.....خورشید. ۲-۱-۱-۵
- ۱۲۰.....ماه. ۳-۱-۱-۵
- ۱۲۲.....ستارگان. ۴-۱-۱-۵
- ۱۲۲.....ستاره شعری. ۱-۴-۱-۱-۵
- ۱۲۳.....ستاره سهی. ۲-۴-۱-۱-۵
- ۱۲۵.....ستاره فرقدان. ۳-۴-۱-۱-۵
- ۱۲۵.....ستاره پروین. ۴-۴-۱-۱-۵
- ۱۲۶.....کهکشان. ۵-۴-۱-۱-۵
- ۱۲۶.....سیاره ها. ۵-۱-۱-۵
- ۱۲۶.....زمین. ۱-۵-۱-۱-۵
- ۱۲۷.....سیاره زحل. ۲-۵-۱-۱-۵
- ۱۲۹.....باران. ۶-۱-۱-۵
- ۱۳۰.....برف. ۷-۱-۱-۵
- ۱۳۱.....ابر. ۸-۱-۱-۵
- ۱۳۳.....رعد و برق. ۹-۱-۱-۵
- ۱۳۵.....فلق و شفق. ۱۰-۱-۱-۵
- ۱۳۶.....پدیده های زمین. ۲-۱-۱-۵
- ۱۳۶.....کوه. ۱-۲-۱-۵
- ۱۴۰.....دریا. ۲-۲-۱-۵
- ۱۴۱.....درختان. ۳-۲-۱-۵
- ۱۴۲.....درخت بان (سرو کوهی). ۱-۳-۲-۱-۵
- ۱۴۳.....دوح (درخت تنومند). ۲-۳-۲-۱-۵
- ۱۴۵.....سرحه (نوعی درخت بزرگ). ۳-۳-۲-۱-۵
- ۱۴۵.....آراک (مسواک). ۴-۳-۲-۱-۵
- ۱۴۶.....درخت انجیر. ۵-۳-۲-۱-۵
- ۱۴۷.....درخت نارنج. ۶-۳-۲-۱-۵
- ۱۴۸.....نباتات. ۴-۲-۱-۵
- ۱۴۸.....گل خیری. ۱-۴-۲-۱-۵
- ۱۴۹.....گل آس. ۲-۴-۲-۱-۵
- ۱۵۰.....گل بابونه. ۳-۴-۲-۱-۵
- ۱۵۱.....گل خزامی (لاواند). ۴-۴-۲-۱-۵
- ۱۵۱.....گل نرگس. ۵-۴-۲-۱-۵
- ۱۵۳.....گل بنفشه. ۶-۴-۲-۱-۵
- ۱۵۵.....گل لاله. ۷-۴-۲-۱-۵
- ۱۵۷.....رنگ ها. ۳-۱-۱-۵
- ۱۵۷.....رنگ سبز. ۱-۳-۱-۵

- ۱۵۹.....۱-۳-۵ رنگ سرخ.....
 ۱۵۹.....۳-۳-۱-۵ رنگ زرد و سبز.....
 ۱۶۰.....۴-۳-۱-۵ رنگ آبی.....
 ۱۶۱.....۵-۳-۱-۵ رنگ سیاه.....
 ۱۶۲.....۴-۱-۵ عناصر چهارگانه طبیعت.....
 ۱۶۲.....۱-۴-۱-۵ آتش.....
 ۱۶۴.....۲-۴-۱-۵ باد.....
 ۱۶۵.....۳-۴-۱-۵ آب.....
 ۱۶۶.....۴-۴-۱-۵ خاک.....

فصل ششم: تأملی در تصاویر فنی ابن خفاجه

- ۱۶۸.....۱-۶ خیال.....
 ۱۶۸.....۲-۶ علم بیان تجلی گاه خیال.....
 ۱۶۹.....۳-۶ تشبیه.....
 ۱۶۹.....۱-۳-۶ اهمیت و بلاغت تشبیه.....
 ۱۶۹.....۱-۱-۳-۶ تجسیم و روشنگری همراه با مبالغه.....
 ۱۷۰.....۲-۱-۳-۶ محسوس جلوه دادن معقولات.....
 ۱۷۰.....۳-۱-۳-۶ مبالغه، روشنگری و ایجاز.....
 ۱۷۰.....۴-۱-۳-۶ انتقال محسوسات.....
 ۱۷۰.....۵-۱-۳-۶ پیوند بین پدیده های متضاد و دور از هم.....
 ۱۷۰.....۴-۶ استعاره (گروگیری).....
 ۱۷۱.....۱-۴-۶ اهمیت و بلاغت استعاره.....
 ۱۷۱.....۱-۱-۴-۶ گسترش و بسط معنی.....
 ۱۷۱.....۲-۱-۴-۶ تجسیم معقولات در قالب محسوسات.....
 ۱۷۱.....۳-۱-۴-۶ ایجاد پیوند بین اضداد.....
 ۱۷۱.....۵-۶ بررسی صور خیال در توصیفات ابن خفاجه.....
 ۱۷۱.....۱-۵-۶ تشبیه.....
 ۱۷۲.....۲-۱-۵-۶ تشبیه بلیغ.....
 ۱۷۲.....۵-۱-۵-۶ تشبیه تمثیل.....
 ۱۷۶.....۶-۱-۵-۶ تشبیه ضمنی.....
 ۱۷۶.....۷-۱-۵-۶ تشبیه مقلوب.....
 ۱۷۷.....۸-۱-۵-۶ تشبیه ملفوف.....
 ۱۷۸.....۹-۱-۵-۶ تشبیه مفروق.....
 ۱۷۸.....۱۰-۱-۵-۶ تشبیه جمع.....
 ۱۷۹.....۲-۵-۶ استعاره.....
 ۱۷۹.....۱-۲-۵-۶ استعاره مصرحه.....

- ۱۸۰.....۲-۲-۵-۶ استعاره مکنیه یا تشخیص
- ۱۸۳.....۱-۲-۲-۵-۶ تشخیص در عناصر مادی
- ۱۸۵.....۲-۲-۲-۵-۶ تشخیص در مفاهیم انتزاعی
- ۱۸۵.....۳-۵-۶ کنایه (سخن سر بسته)
- ۱۸۵.....۱-۳-۵-۶ فواید کنایه
- ۱۸۵.....۱-۳-۵-۶ بلیغ تر از گفتار صریح
- ۱۸۵.....۲-۱-۳-۵-۶ بیان بسیاری از تعبیرات ناپسند از طریق کنایه
- ۱۸۵.....۳-۱-۳-۵-۶ مبالغه در بیان معنی
- ۱۸۶.....۴-۱-۳-۵-۶ گسترش جهان واژگان و هنرنمایی در عبارات
- ۱۸۶.....۲-۳-۵-۶ کنایه از صفت
- ۱۸۶.....۳-۳-۵-۶ کنایه از موصوف
- ۱۸۷.....۴-۵-۶۴ علم بدیع
- ۱۸۷.....۱-۴-۵-۶ محسنات معنوی
- ۱۸۷.....۱-۱-۴-۵-۶ طباق
- ۱۸۸.....۲-۱-۴-۵-۶ مراعات نظیر
- ۱۸۹.....۳-۱-۴-۵-۶ تجرید
- ۱۹۰.....۴-۱-۴-۵-۶ مقابله
- ۱۹۱.....۵-۱-۴-۵-۶ لف و نشر
- ۱۹۱.....۶-۱-۴-۵-۶ حسن تعلیل
- ۱۹۲.....۲-۴-۵-۶ محسنات لفظی
- ۱۹۲.....۱-۲-۴-۵-۶ جناس
- ۱۹۳.....۶-۶ سرقت های شعری
- ۱۹۵.....۱-۶-۶ اقتباس
- ۱۹۵.....۲-۶-۶ تلمیح
- ۱۹۶.....۳-۶-۶ تضمین
- ۱۹۷.....فهرست منابع و مأخذ
- ۲۰۶.....چکیده عربی

کلیات تحقیق:

الف) تعریف موضوع: فن وصف یکی از بارزترین غرض های شعری در ادبیات است که از دیر باز در تصویرپردازی های شاعران خودنمایی کرده است. در میان شاعران اندلس، ابن خفاجه این فن را به گونه ی شگرفی در تصویرپردازی های خود به کار گرفته، به طوری که عناصر طبیعت با ویژگی های آن بر تمام اغراض شعریش سایه افکنده است. این شاعر توانمند توانسته است با بهره گیری از واژگان لطیف و روان و به کارگیری صورخیال، شیوه ای نوین را در وصف طبیعت بر دفتر ادب عربی بیفزاید و به عنوان شاعری درون گرا، رؤیاهای خود را در قالب این پدیده ها بازتاب دهد.

ب) پیشینه ی موضوع: طبق بررسی های صورت گرفته، تاکنون مطالعه ی دقیق و همه جانبه از توصیفات ابن خفاجه در قالب یک بحث علمی و آکادمیک مطرح نشده است، ولی در لابلای برخی کتابهای ادبی که درباره ی ادبیات اندلس نگاشته شده است به گونه ی مختصری، ویژگی وصف وی را شرح داده اند.

ج) اهداف تحقیق: اهدافی که نگارنده در این تحقیق علمی دنبال می کند این است که ابعاد مختلف توصیفات ابن خفاجه را با استفاده از ابیات وصفیش بشناساند و علاوه بر بررسی محتوایی و درون مایه از وصف وی، جنبه های فنی و ساختاری آن را نیز نمایان سازد.

د) اهمیت و ضرورت تحقیق: شناخت ویژگی های وصف طبیعت در ادبیات اندلس و بویژه در شعر شاعر بزرگی چون ابن خفاجه می تواند مهمترین هدف این تحقیق به حساب آید.

ذ) کاربرد نتایج تحقیق: آشنایی دانشجویان ادبیات عرب با شیوه ی تصویرآفرینی های ابن خفاجه و میزان تأثیر گذاری و تأثیرپذیری وی از شاعران دیگر می تواند از اصلی ترین نتایج این پایان نامه باشد.

ه) فرضیه ها: مهم ترین فرضیه هایی که در این تحقیق بدان ها پرداخته می شود به گونه ی زیر است:

- ۱- ابن خفاجه در توصیفات خود دو شیوه ی تقلیدی و ابتکاری را آزموده است.
- ۲- او در توصیفاتش استعاره ها و تشبیهات زیادی را به کار گرفته ولی استعاره ی مکنیه یا فن تشخیص در توصیفاتش جایگاه بر جسته ای دارد.
- ۳- شاعر در توصیفات خود از مضامین اسلامی و قرآنی بهره گرفته است.
- ۴- وصف ابن خفاجه در پاره ای از قصائدش با شاعران دوره های قبل متفاوت است.

فصل اول :

**نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و
ادبی دوره اندلس**

۱- ۱ وجه تسمیه اندلس :

قدیمی ترین نام این جزیره « ایبریا » است ، منسوب به ایبریان ، قدیمی ترین قبیله ای که در آنجا ساکن شدند^۱. بعد از مدتی این واژه به اسپانیا تغییر یافت^۲. و آن هنگامی که رومیان در قرن دوم (م) بر آن تسلط یافتند ، واژه اسپانیا را از فینیقی ها ، دریافت کردند ، زیرا آنان از پیش به این جزیره (شاطیء الارانب) می گفتند^۳.

برخی از مؤرخان قدیم ، علت های دیگری را برای نام گذاری این شبه جزیره به اندلس ذکر کرده اند ، که از جمله « مقری » از احمد ابن محمد رازی روایت می کند که اقوامی در این جزیره ساکن شدند که به اندلس شناخته می شدند ؛ بعدها این واژه به اندلس تغییر یافت^۴.

۱- ۲ تاریخچه فتح اندلس :

حمله سپاهیان اسلام به شبه جزیره ایبری که مدخل جنوب غربی اروپاست ؛ از لحاظ سرعت اجرا و توفیق کامل در تاریخ جنگی قرون وسطی مقامی برجسته دارد .

نخستین گام آن بود که طریف ابن مالک در سال (۹۱ هـ) با صد سوارکار و چهار صد پیاده از تنگه گذشتند اما این حمله مقاومت چندانی نداشت و با غنایم بسیاری برگشتند^۵.

به دنبال این پیروزی ، امیر قیروان « موسی بن نصیر » لشکر بزرگی را به فرماندهی طارق بن زیاد به اسپانیا فرستاد . و در سال (۹۲ هـ)^۶ به نزدیک آن صخره بزرگ « جبل الطارق » که هنوز هم نام او را جاودانه ساخته است ، لنگر انداخت و با سپاه لذریق در ساحل دریاچه « کاندا » روبه رو شدند و آنان را شکست دادند^۷. با این پیروزی پیشروی مسلمانان بسوی اندلس آسان شد و فقط شهرهایی که سوارکاران « ویزیگت » بر آن تسلط داشتند ، به مقاومت برخاستند . طارق با سپاه خود به سوی طلیطله (پایتخت) شتافت و بر شهرهای مهم آن دیار غلبه نمود . بدین سان طارق در طی چند ماه ، نیمی از اسپانیا را به تصرف خود درآورد .

۱- شلبی ، احمد ، موسوعة التاريخ الاسلامي ، ج ۲ ، مکتبه النهضه المصريه ، ط ۱۰ ، (۱۹۹۵) ، ص ۱۳۵
۲- هیکل ، احمد ، الادب الاندلسي من الفتح الي سقط الخلافة ، قاهره دار المعارف ، ط ۱۴ ، (۱۱۱۹) ، ص ۱۳
۳- همان ، و در تعلیل این نام گذاری گفته اند : وقتی که فینیقی ها بر بعضی از سواحل این جزیره وارد آمدند با دسته ای از خرگوش ها در ساحل آن روبرو شدند .
۴- ابن اثیر ، الکامل فی التاريخ ، تح : محمد یوسف الدقاق ، لبنان ، دار الکتب العلمیه (۱۴۰۷ق) ، ج ۴ ، ص ۲۶۴
۵- ابن اثیر ، الکامل فی التاريخ ، ج ۴ ص ۱۲۲
۶- بلا ذری ، احمد ابن جابر ، البلدان و فتوحها و احکامها ، بیروت ، دار الفکر تح : سهیل زکار ، ط ۱ (۱۹۹۲) ، ص ۴۶۸
۷- طبری ، محمد ابن جریر ، التاريخ ، تح : محمد ابو الفضل ابراهیم ، بیروت دار التراث ، (بی تا) ، ج ۶ ص ۲۴۵

مسلمانان آفریقا فتح اندلس را گسترشی از فرمانروایی خود دانستند. اما اندلس اندک اندک شخصیت جدیدی به خود گرفت و استقلال اداری خود را به دست آورد و از آفریقا جدا شد. و والی مخصوصی که از حکومت مرکزی دمشق پیروی می کرد بر آن منصوب گردید.^۱

۱- ۳ تقسیمات سیاسی اندلس^۲:

نزدیک به هشت قرن مسلمانان بر این سرزمین حکومت نمودند. و اینک به صورت گذرا به ادوار سیاسی آن اشاره می کنیم.

- ۱- دوره والیان (۹۳ هـ - ۱۳۸ هـ)
- ۲- دوره امویان (۱۳۸ هـ - ۴۲۲ هـ)
- ۳- دوره ملوک الطوائف (۴۲۲ هـ - ۴۹۳ هـ)
- ۴- دوره مرابطان (۴۹۳ هـ - ۵۴۱ هـ)
- ۵- دوره موحدان (۵۴۱ هـ - ۶۶۸ هـ)
- ۶- دوره بنی احمر یا دوره غرناطی (۶۶۸ هـ - ۸۹۸ هـ)

۱- ۳- ۱- اوضاع سیاسی ملوک الطوائف و مرابطان^۳:

عصر ملوک الطوائف هشتاد سال از تاریخ اندلس را به خود اختصاص داده است و با آنکه در بعضی جنبه ها [که بعداً بدان خواهیم پرداخت] درخشندگی هایی داشته است. ولی در واقع عصر آشفتگی و تفرقه کامل سیاسی و اجتماعی است، و دولتهای کوچکی که بر ویرانه های اندلس بزرگ به وجود آمدند، می پنداشتند در امور خود از استقلال برخوردارند؛ اما از نظر نظامی فاقد آن عناصری بودند که یک دولت استقرار یافته باید از آن بهره مند باشد^۴. این دوره از سال (۴۲۲ هـ) تا سال (۴۸۴ هـ) ادامه داشت. و به محض اینکه ابن جهور^۵ پایان دوره حکومت امویان را اعلام کرد، نزدیک به بیست ایالت از شهرهای اندلس، استقلال یافتند. که اکثرشان ضعیف بودند و یا به طور تصادفی به وجود آمدند^۶.

از مهم ترین فرمانروایان این دوره، حکومت بنی عباد در اشبیلیه است که از سال (۴۱۴ هـ) تا پایان حکومت ملوک الطوائف ادامه داشت^۷ و حرکت علمی و ادبی بزرگی را رهبر نمود. دیری نپایید که یکی از

۱- العبادي، عبدالحميد، الجمل في التاريخ الاندلسي، بيروت، دار الثقافة، (۱۹۸۵) ص ۶۲
۲- ر.ك. الجامع في تاريخ الادب العربي، ج ۱ ص ۸۹۲، ۸۹۳ و الادب العربي، احمد هیکل، ص ۲۸، ۲۹ و المعجم المفصل، ميشال عاصي و اميل بدیع يعقوب، ج ۲ ص ۸۳
۳- چون شاعر ابن خفاجه در این دو دوره می زیسته است نگارنده لازم می داند که اوضاع هر دو دوره را بررسی کند.
۴- عنان، عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، مترجم، عبد المحمد آیتی، انتشارات کیهان، چ ۱ (۱۳۶۹)، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۷
۵- وزیر «ابوالحزم بن جهور» اعلام کرد که دیگر کسی وجود ندارد که شایستگی لقب خلافت باشد و این منصب دیگر متوقف شده است و در قرطبه اعلام کرد که حکومت جمهوری را پایه گذاری می کند. (شلبی، الموسوعة التاريخية الاسلامی، ج ۴ ص ۱۱۴)
۶- همان، ص ۱۱۶
۷- مرجع سابق، ص ۱۱۴

این ایالت های حاکم بر شهر طلیطله به دست مسیحیان سقوط کرد و وحشت بزرگی تمام اندلس را فرا گرفت^۱. و زمینه برای دولت مرابطان در مغرب فراهم شد تا پیشروی های مسیحیان را به سوی مناطق فتح شده ی اسلامی، کوتاه کند^۲. «الفونس» رهبر مسیحیان بعد از فتح این شهر روانه سرزمین بنی عباد در اشبیلیه شد که فتح آن به منزله سقوط تمامی سرزمین های اسلامی بود. وقتی که معتمد بن عباد فرمانروای اشبیلیه دید که توانایی مقابله با سپاه مسیحیان را ندارد؛ از دولت مرابطان در شمال آفریقا کمک طلبید و گفته زیبای خود را بیان کرد:

«اگر در آفریقا شتر چرانی کنم، بهتر از آنکه در قشتاله خوک چران باشم»^۳.

۱- ۳- ۲- تشکیل دولت مرابطان:

مرابطان اهل مغرب و از قبیله لمتونه بودند^۴ که در تاریخ به ملثمان شهرت دارند^۵ و لمتونه یکی از قبایل صنهاجه بود، که از قدرتمند ترین قبایل عرب محسوب می شد و به پایداری و افراد زیاد که شمال آفریقا را پوشانده بودند، شهرت داشتند.

برخی از تاریخ نگاران اصل قبیله صنهاجه را از «حمیر بن سبأ یمانی» دانسته اند؛ اما گروهی دیگر معتقدند که آنها نژادشان بربری است و هیچ ارتباطی با عرب ندارند^۶.

قبیله لمتونه در صحرا زندگی می کردند و به علت دوری از آبادی و خو گرفتن به انفراد، حیاتی آمیخته به توحش داشتند. و قانون حاکم بر آنان، قانون قهر و غلبه بود^۷ و این قبیله چون دیگر قبایل بربر کیش مجوسیت داشتند تا اینکه در سده قرن سوم هجری اسلام در میان شان ظهور کرد. از آن هنگام صاحب ریاست شدند و همسایگان خویش را از جمله سودان به تصرف در آوردند^۸.

وقتی که ریاست لمتونه به «یحیی بن ابراهیم کندالی» رسید، با تعدادی از سران قوم خود برای ادای فریضه حج راهی خانه خدا شدند. در راه برگشت به شهر قیروان رسیدند و با شیخ مذهب مالکی «ابو عمران فاسی» دیدار نمودند و از وی خواستند که برای تعلیم دین اسلام کسی را با آنها به مغرب بفرستد او نیز فقیه عالیقدر «عبد الله بن یاسین» را با آنها فرستاد، بعد از مدتی یحیی بن ابراهیم وفات یافت و این قبیله دچار اختلاف شدند و ابن یاسین را از خود بیرون راندند وی نیز گوشه گیری و عزلت را انتخاب کرد و مریدانی برای خود جمع کرد و آنها را بر تپه ای به نام «رباط» تعلیم جهاد داد^۹. سرانجام دولت مرابطان در

۱- العبادي، عبدالحميد، ص ۱۷۲

۲- شليلي، احمد، ج ۴، ص ۱۱۷

۳- المقري، احمد ابن محمد، نفع الطيب، تج: إحسان عباس، بيروت، دارصادر، ط ۳، (۱۹۸۸)، ج ۲، ص ۶۷۸

۴- ابن خلدون، تاريخ المسمي بكتاب العبر، تج: خليل شحاده و سهيل زكار، دار الفكر، (۲۰۰۰) ج ۱، ص ۳۷۴

۵- در سبب نامگذاري این قبیله به ملثمان گفته اند: چون در دشت هاي وسيع صحرا مي زیستند صورت خود را از زیر چشم باروبندي مي پوشانند که این عادت سبب شد تا آنها را «رويستگان» یا ملثمان بنامند. ابن اثیر، الکامل، ج ۹ ص ۴۲۸

۶- الصلابي، علي محمد، دولة المرابطين، دار النشر الاسلامي، مصر، ط ۱ (۱۴۲۴)، ص ۱۱

۷- ابن خلدون، ج ۶، ص ۷۷

۸- همان، ص ۲۴۲

۹- مرجع سابق، ص ۲۴۳

قرن یازدهم (م) به دست یک مسلمان پرهیزکار در آن رباط در جزیره ای در سنگال بنیان نهاده شد. و نام مرابطان هم منسوب به این رباط گردید.^۱ بدین ترتیب هسته نیروی مرابطان هزار جنگاور از همین پرهیزکاران زاهد پیشه بودند و «یوسف بن تاشفین» بزرگترین فرمانروای آنان بود که از سال (۴۵۲ هـ) تا سال (۴۹۹ هـ) حکومت کرد و شهر مراکش را پایتخت خود قرار داد.^۲

بدین ترتیب دولت بزرگ مرابطان به وجود آمد که حاصل نبوغ مردی توانا چون یوسف بن تاشفین و فقهی فرهیخته به نام عبدالله بن یاسین بود. که قلمرو امپراطوری بزرگ خود را در غرب جهان از تونس تا اقیانوس اطلس و از دریای مدیترانه تا سودان گستراند. و با دعوت حاکم اشیبیه در سال (۴۸۱ هـ) برای مقابله با مسیحیان وارد اندلس شد و در جنگ زلاقه شکست سختی را بر آنها وارد ساخت.^۳

و با این پیروزی موج شادی سراسر اندلس را فرا گرفت و امرای مرابطان مورد ستایش شاعران این دیار قرار گرفتند.^۴ و بعدها نیز به خاطر راحت طلبی و ضعف دولتهای ملوک الطوایف، توانستند آنان را براندازند و قلمرو خود را بر تمام اندلس گسترش دهند و منشور امارت را از خلیفه عباسی دریافت نمایند. در نتیجه اختلافات سیاسی بین اندلس و مغرب از بین رفت و اتحاد و یکپارچگی بر این دو سرزمین حکمفرما شد که نتیجه آن تبادل فرهنگها و مصالح بین این دو دیار بود، به طوری که مغرب از اندلس حمایت می نمود و دشمنانشان را از آنها می راندند. اندلس نیز فرهنگ و دانستنی های خود را به اهل این سرزمین ارزانی می داشت.^۵

و سرانجام در سال (۵۴۰ هـ) این حکومت به دست موحدان منقرض شد.^۶ و بدین صورت مدت حکومت آنها هشتاد سال طول کشید که پنجاه سال آن، پرچم این امپراطوری بزرگ در مغرب و اندلس در اهتزاز بود.

۱-۴ اوضاع اجتماعی دوره ملوک الطوایف و مرابطان :

به دنبال تجزیه قلمرو امویان در آغاز سده قرن پنجم (هـ. ق)، اسپانیای اسلامی وارد مرحله دیگری از زندگی خویش، یعنی دوره ملوک الطوایف شد. اصولاً جامعه اسلامی اندلس گروه های فرهنگی، قومی، دینی و ... گوناگون را در بر می گرفت که چنین ساختار اجتماعی پیچیده و متنوعی در سایر نواحی اروپا ناشناخته بود. و این عناصر اجتماعی عبارت بودند از:^۷ ۱- ساکنان اصلی اسپانیا ۲- اقوام عرب که از لحاظ تسلط بر تشکیلات سیاسی و اداری و موقعیت های ممتاز در جایگاه برتری قرار داشتند ۳- بربرها^۸ ۴-

۱- حثی، ص ۶۹۲

۲- همان به نقل از: ابن ابی زرع، روض القرطاس، ج ۱ ص ۸۸-۸۹

۳- ابن خلدون، ج ۶، ص ۲۴۸

۴- یکی از این امرای به نام ابوبکر بن ابراهیم مسوقی که فرمانروایی شهر بلنسیه در شرق اندلس به وی سپرده شد مورد ستایش شاعر (ابن خفاجه) قرار گرفت. تاریخ ابن خلدون ج ۶ ص ۲۴۸

۵- عتیق، عبدالعزیز، الادب العربی فی الاندلس، بیروت، دار النهضة العربیه، بی تا، ص ۱۰۷

۶- حثی، فیلیپ، ص ۶۹۹ به نقل از ابن ابی دینار، المونس فی اخبار افریقیه و تونس (طبع تونس ۱۲۸۶)، ص ۱۲۰

۷- ظهر الاسلام، احمد امین ج ۳ ص ۸

۸- همان

ممالیک، از سرزمین های اروپا بدان جا وارد شده بودند و بعدها به صقالبه شهرت یافتند. ۵- مولدان یا نو مسلمانان که از ازدواج عرب ها با بربریان یا اسپانیایی ها به وجود آمدند ۶- مسیحیان و یهودی ها^۱.

این دوره که دوره آشفتگی و هرج و مرج اخلاقی بود بعضی از فقها در شمار یاوران امرای طوایف در آمده بودند و کار آنان را توجیه می کردند چنان چه «ابن حیان» فقها را چون نمک می شمارد که فساد امرا را به آن می توان چاره کرد و می گوید: «اگر فقها صالح باشند، امرا نیز صالح اند، ولی در این دوره که ما در آن زندگی می کنیم هر دو گروه فاسد شده اند، بطوری که امرا دست به ستم می گشایند و فقها با سکوت خویش، آنها را تشویق می کنند»^۲ دسته ای دیگر از فقها امثال «ابوالحفص حوزنی»، «ابوالولید باجی» بر مصالح مردم حریص بودند و با فساد اجتماعی و اداری مبارزه می کردند. قاضی عیاض در این باره می گوید: «ابوالولید به خاطر مداخله زیاد با سران حکومت، نامش همیشه بر زبان ها جاری بود»^۳

دکتر عبدالله عنان نیز در کتابش «دوله الاسلام فی الاندلس» به نقل از نکل، خاورشناس معروف، بیان می کند: «از ویژگی های دوره ملوک الطوایف وجود یک نوع آزادی هایی بود که با وجود آنها از بعضی قید و بندهای دینی چشم پوشیده شده بود»^۴. که همین آزادی سبب رونق یافتن شد و ادب در این دوره گردید^۵.

رهبران ملوک الطوایف از نظر میهن دوستی ضعیف ترین رهبران اندلس بودند و برخورد پادشاه مسیحیان قشتاله با آنها به مانند معامله با زیر دستان بود. ابن بسام در همین راستا به رفتار متکبرانه الفونس با سفیران طوایف آنگاه که طلیطله را اشغال نموده بود به نیکویی اشاره کرده است^۶.

علاوه بر آن، مالیات های سنگینی را سالانه به پادشاه مسیحیان تقدیم می کردند که همه آن را از مردم می گرفتند. و مالیات های دیگری را از مردم می گرفتند برای حفظ مرزهای خود که از یکدیگر تصرف نموده بودند^۷.

اما پدید آوردن کاخ های زیبا و خانه های مجلل و آراسته سبب می شود تا از ضعف ها و کاستی های این دوره چشم پوشی شود^۸؛ چنانکه در این دوره، غرناطه که «محمد الغالب» آن را مقرر حکومت خود گردانده بود، عرب ها آن را به دمشق تشبیه می کردند و بسیاری از اهل شام به آنجا وارد می شدند^۹.

علاوه بر کاخ های زیبا، زمین های حاصلخیز اندلس، زمینه را برای کشاورزی مهیا ساخته بود، که سبب رونق یافتن آن، در این دوره شد. و عرب ها به حفر قنات و کشت بسیاری از گیاهان و میوه ها دست زدند^{۱۰}

۱- برای اطلاع بیشتر به الادب الاندلسی، احمد هیکل ص ۳۰-۳۱ و الصقالبه فی اسپانیا، مختار العبادي و ظهر الاسلام، احمد امین ج ۳ ص ۸-۷ مراجعه نمایید.

۲- مقری، ج ۴، ص ۱۹۶

۳- همان ج ۲ ص ۲۷۳

۴- عنان، عبدالله، ج ۲، ص ۴۳۲ به نقل از:

۵- همان

۶- ابن بسام، قسمت ۴، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۰

۷- عباس، احسان، تاریخ الادب العربی (عصر الطوایف و المرابطین)، عمان، دار الشروق، ط ۲، (۱۹۹۷) ص ۳۳

۸- همان ص ۳۵

۹- الفلخوری، حنا، الجامع فی تاریخ الادب العربی، بیروت، دار الجیل، (۲۰۰۵) ج ۱ ص ۸۹۵

۱۰- حتی، فیلیپ، ص ۶۷۵